

## پیش‌خواران

«اندیشه سیاسی امام خمینی» در آیینه بک اثر نوانتشار

## پیوست‌های معرفتی یک نظریه سیاسی

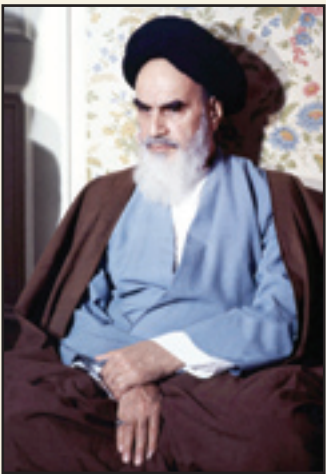
- شاهد توحیدی**



پژوهشی که هم اینک در باب مختصات آن سخن می‌رود، در عداد آثاری است که مفهوم و منطوق اندیشه سیاسی حضرت امام خمینی رهبر کبیر انقلاب اسلامی را مورد

خوانش و تحلیل قرار داده است. به‌رغم اینکه در چهار دهه اخیر در این باره فراوان سخن رفته و شاید عده‌ای را بدین باور رسانده باشد که ماهیت مسئله تقریباً شفاف است، چالش‌های موجود در این باره در عرصه‌های فرهنگ و سیاست جامعه ما، چنین اطمینانی را با تردید مواجه می‌سازد. ضمن اینکه بازخوانی آرای سلسله چنینان انقلاب اسلامی، متناسب با شرایط و رویدادهای جامعه در هر دوره، ضرور و ناگزیر می‌نماید. هم از این روی بی‌جویی از تولید این دست تحقیقات و ارزیابی‌ها، در زمره اولویت‌های سبیره پژوهان امام راحل قلمداد می‌شود. اثر پژوهشی- تاریخی «اندیشه سیاسی امام خمینی»، توسط مریم السادات حسینی به نگارش درآمده و مرکز اسناد انقلاب اسلامی، به انتشار آن همت گماشته است. تارنمای ناشر در اینترنت کوتاه، در باب محتوای این کتاب چنین آورده‌است:

«بی‌تردید اندیشه سیاسی حضرت امام خمینی رهبر کبیر انقلاب اسلامی، مبتنی بر آئین و احکام اسلامی است. در این اندیشه، ساماندهی زندگی سیاسی جامعه اسلامی، محور تأسیس نظام سیاسی بوده و با توجه به اهمیت ساماندهی حیات سیاسی و اجتماعی انسان مسلمان در جامعه



۱۳۵۷،نوبل لوشوتا

اسلامی و با هدف فراهم کردن امکانات رشد و تعالی او و با پیش فرض‌های برخاسته از دین و اهداف آن، این پروژه سیاسی- اجتماعی محقق شده و به پیش می‌رود. مبانی اندیشه سیاسی امام خمینی متأثر از اندیشه سیاسی اسلام، در حوزه مبانی و پیش‌فرض‌های کلامی، فلسفی و اخلاقی ثابت است، اما در زمینه‌ها و شرایط محیطی و در چارچوب مبانی و اصول و قواعد، متغیر، منعطف و متأثر از ارزیابی شرایط و اقتضائات زمانی و مکانی جوامع اسلامی است. از این رو در اندیشه سیاسی شیعه، مسئله پیروی از مجتهد واجد شرایط زنده، مورد تأکید قرار گرفته است. اندیشه امام خمینی از سال ۱۳۴۱ ش، بر اساس رویکرد شیعی و برای اصلاح وضع موجود، باعث تحول در رویکرد نظری و کارکرد اجتماعی و سیاسی عالمان شد و در این مسیر هم به تغییر و هدایت رفتارهای سیاسی خود و مقلدان پرداخت و تقیه یعنی اندیشه و عمل سیاسی معطوف به حفظ شیعه کنار رفت و اندیشه اسلام انقلابی، محور تلاش‌ها واقع شد. در این اثر به بررسی مبانی اندیشه‌های امام در حوزه‌های فلسفه و عرفان، از دریچه ارتباط با اندیشه سیاسی اسلام پرداخته شده است. منابع و متون اندیشه‌ی امام خمینی معرفی شده‌اند، بنیادهای نظری اندیشه سیاسی ایشان مورد بحث و بررسی قرار گرفته و به مباحث مهم و کلان اشاره شده است. در ضمن مبانی معرفت‌شناسی، هستی‌شناسی، انسان‌شناسی، عرفانی، کلامی، فقهی و اصولی اندیشه سیاسی رهبر کبیر انقلاب اسلامی، مورد بررسی قرار گرفته است. در بررسی مباحث مهم اندیشه سیاسی امام خمینی هم به بحث از دین و سیاست، ضرورت حکومت، حکومت مطلوب، ویژگی‌های حاکم اسلامی، شرایط ولی فقیه، طراحی الگوی جمهوری اسلامی، نقش مردم در مشروعیت حاکم و حکومت اسلامی، محدوده اختیارات حکومت اسلامی و وظایف و جهت‌گیری‌های حکومت اسلامی پرداخته شده است که امید است مورد استفاده علاقه‌مندان مطالعات انقلاب اسلامی قرار گیرد…»

# تاریخ

تاریخ،۶۰۶۰۲۳۸۵



### مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی ۳۳ سال تعامل روشنگرانه

# آثار اندیشه وحدت بخش رهبری

# پس از سه دهه نمایان شد

ایران هستند، شکل گرفته‌اند و در بسیاری از کشورها،

از جمله جمهوری‌های استقلال یافته از شوروی، به فکر تجدید حیات اسلام افتاده‌اند. بنابراین حرکت امام خمینی، یک حرکت صرفاً شیعی نبود، بلکه به همه مسلمانان تعلق داشت و لذا تأثیر خود را بر تمام جهان اسلام گذاشته است…»

● **روحانیان سنی از وحدت نمی‌گویند، چون به حکومتی بودن متهم می‌شوند!**

مولوی نذیر احمد سلامی در عداد آن طیف از علمای مذهب قلمداد می‌شود که همواره بی‌جوری وحدت و تقریب مذاهب اسلامی بوده است. وی در این فقره که چرا روحانیان اهل سنت کمتر از وحدت اسلامی سخن می‌گویند، ارزیابی جالبی دارد:

«تفکراتی که طی قرن‌ها در فرهنگ و حافظه جمعی

ایران هستند، شکل گرفته‌اند و در بسیاری از کشورها، از جمله جمهوری‌های استقلال یافته از شوروی، به فکر تجدید حیات اسلام افتاده‌اند. بنابراین حرکت امام خمینی، یک حرکت صرفاً شیعی نبود، بلکه به همه مسلمانان تعلق داشت و لذا تأثیر خود را بر تمام جهان اسلام گذاشته است…»



زنده یاد آیت‌الله محمد واعظ زاده خراسانی

**آیت‌الله محسن اراکی**: «**آیت‌الله واعظ‌زاده خراسانی، همواره برای گفت‌وگو با اندیشمندان مذاهب مختلف اسلامی آمادگی داشت. از سعه صدر عجبیبی برخوردار بود و هدفی جز همگرایی مذاهب مختلف نداشت. حضور در مکتب آیت‌الله بروجردی، این روحیه را در وی تقویت کرده بود و لذا همواره در پی انسجام، گفت‌وگو و همزیستی با دیگران بود. تجربه‌ها و ارتباطاتی که از دیر زمان با دارالتقریب مصر داشت و قدرت علمی او، رهبری را به انتصاب ایشان به دبیر کلی مجمع متعاعد کرد…»**

**زنده یاد آیت‌الله محمد واعظ‌زاده خراسانی**: «**حضرت آیت‌الله خامنه‌ای از شاخص ترین چهره‌های منادی وحدت اسلامی هستند و تأسیس مجمع تقریب مذاهب اسلامی، نتیجه تفکر بلند ایشان است. این مجمع با برگزاری اولین دوره شورای عالی بین‌المللی، در هفته وحدت کارش را آغاز کرد. ایشان همیشه بر مسئله وحدت اسلامی، تأکید فراوان کرده‌اند. سخنرانی‌های ایشان در روز میلاد حضرت رسول(ص)، در حضور علمای اهل سنت و شیعه، در زمره آثار برجسته در این زمینه است…»**

نه می‌شود مثل دیگری شد و نه منطقی و درست است. کسانی که تصور می‌کنند در پی تقریب، سهل‌انگاری و مسامحه در دین پیش می‌آید، معنی تقریب را نفهمیده‌اند. تقریب باید با احیایگری توأم باشد. قرن احیاگر است. وقتی که حیات باشد، مشکلی وجود ندارد. مشکل اصلی ما، عقب‌ماندگی تمدنی است. جمهوری اسلامی باید در پی نهضت احیاگری، یعنی نهضت ایجاد عزت و کرامت در انسان‌ها باشد، تا تقریب محقق بشود…»

● **تاریخچه اندیشه و عمل فریبی در تاریخ معاصر**

حجت‌الاسلام والمسلمین سیدجلال میرآقایی نیز در زمره اعضای مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی است. وی در باب تاریخچه این نهاد، نکات مهمی را مورد اشاره قرار داده که شمه‌ای از آن در بی می‌آید:

«اندیشه تقریبی در جهان اسلام، تفکر بسیار مهمی است و بسنجاری از علمای بزرگی که فکر تقریب را می‌شناختند، در زمینه تحقق آن فعالیت می‌کردند. مثلاً آیت‌الله صافی گلپایگانی در دوران قبل از پیروزی انقلاب اسلامی، کتابی نوشته‌اند که تفکر تقریب در سراسر آن دیده می‌شود. در میان علمای شیعه خارج از ایران هم این تفکر مسوق به سابقه است. مرحوم اسد حیدر کنابی دارد به نام: الامام الصادق و المذاهب الاربعه. این کتاب نزدیک به شش دهه قبل، توسط این عالم شیعه – که عضو دارالتقریب هم نبوده – نوشته شده و مذاهب چهارگانه را با نهایت امانتداری، بی آنکه کوچک‌ترین اهانتی به امام یا پیروان این نخله‌ها بکند، روایت و با نثری بسیار زیبا، همه را تحلیل و نهایت انصاف و بی‌طرفی را هم در این قضیه رعایت کرده است. اثر دیگر متعلق است به امام محمد ابوزهره، شامل هشت جلد در مقایسه مذاهب مختلف اسلامی. او هم بسیار سعی کرده است که بدون تعصب و منصفانه، این مذاهب را با هم مقایسه کند، حال آنکه جقدر موفق بوده، جای بحث دارد. با این سابقه در سال ۱۳۶۹ و به فرمان مقام معظم رهبری، مجمع‌التقریب بین المذاهب الاسلامیه تأسیس شد که بعداً نام فارسی آن شد مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی. در آن زمان، مرحوم شیخ محمدتقی قمی زنده بودند و در اروپا زندگی می‌کردند. حضرت آقا کسانی را فرستاده بودند، تا با ایشان هم مشورت کنند. ایشان هم خیلی خوشحال شده بودند که قرار است این کار در ایران انجام شود. آیت‌الله صافی می‌گفتند من با آقای قمی در تماس بودم و ایشان از این حرکت، بسیار خوشحال بودند… به هر حال روند تأسیس مجمع تقریب، طی شد و مرحوم آیت‌الله محمد واعظ‌زاده خراسانی، به عنوان اولین دبیر کل آن انتخاب شدند. ایشان بیش از هر کس دیگری در این زمینه، سابقه علمی، ذوق تبلیغی و انگیزه کار داشتند. بعداز انتخاب ایشان، شورای عالی تشکیل و اسانسه‌ام آن نوشته شد. آیت‌الله واعظ‌زاده به مدت ۱۰ سال، دبیر کل مجمع بودند. در شورای عالی مجمع، برگزاری آن عراق، پاکستان، افغانستان، مالزی، نیجریه، هندوستان، سودان و برخی دیگر از کشورهای اسلامی حضور داشتند. مرحوم مولوی منصور از افغانستان، عضو این شورای عالی بود و ایشان را ترور کردند و به شهادت رساندند. بعد از استعفای آیت‌الله واعظ‌زاده، آیت‌الله تسخیری به دبیر کلی انتخاب شدند. همان‌طور که اشاره کردم پیش از آن، ایشان دبیر کل مجمع اهل بیت(ع) بودند…»

● **آیت‌الله واعظ‌زاده خراسانی در تأسیس مجمع تقریب و استحکامبخشی بدان سهم بالایی دارد**

همانگونه که اشارت رفت، زنده یاد آیت‌الله محمد واعظ‌زاده خراسانی، نخستین دبیر کل مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی نبود. دلایل این انتخاب و دستاوردهای آن، از مدخل‌های مهم در بررسی تاریخچه این نهاد قلمداد می‌شود. آیت‌الله محسن اراکی دبیر کل پیشین مجمع، در ارزیابی این گزینش اعتقاد دارد:

«کسی که در جایگاه دبیر کلی مجمع تقریب قرار می‌گیرد، علاوه بر مقام علمی، باید با فاکتور مذاهب مختلف اسلامی آشنا باشد. یکی از برجستگی‌های علمی ایشان، اطلاعات کافی و گسترده از دیدگاه‌های مذاهب مختلف بود. گاهی کسی اطلاعات علمی خوبی هم دارد، اما روحیه‌اش روحیه تقریبی نیست. ایشان همواره برای گفت‌وگو با اندیشمندان مذاهب مختلف اسلامی آمادگی داشت، از سعه صدر عجبیبی برخوردار بود و هدفی جز همگرایی مذاهب مختلف نداشت. حضور در مکتب آیت‌الله بروجردی، این روحیه را در ایشان تقویت کرده بود و لذا همواره در پی انسجام، گفت‌وگو و همزیستی با دیگران بود.

تجربه‌ها و سوابق ایشان از دوران آیت‌الله بروجردی و ارتباطاتی که از همان زمان با دارالتقریب مصر داشت و قدرت علمی، از ایشان شخصیتی ساخته بود که رهبری را به انتصاب ایشان برای انجام این کار بزرگ متعاعد کرد. امروز مجمع تقریب به عنوان یک نهاد منسجم و تأثیر گذار در حوزه خویش، مشغول فعالیت است. شاید برخی متوجه نباشند که این دست‌آورد عظیم، با چه تلاش‌ها و زحمات طاقت‌فرسا و چه خون دل خوردن‌های بنا شده است و کسانی که به‌ویژه در آغاز راه، مسئولیت این نهاد را به عهده داشتند، چه مصائبی را متحمل شدند تا این کشتی به ساحل امن امروز رسیده است. مرحوم آیت‌الله واعظ‌زاده انتصاف در تأسیس و استحکامبخشی به مجمع تقریب، سهم بالایی دارد و شایسته قدردانی و قدرشناسی است. سراسر زندگی آن مرحوم، با دغدغه تقریب مذاهب درآمخته بود و تمام آثار پژوهشی ایشان، در این

راستا نوشته شده‌اند. فعالیت‌های اجتماعی ایشان هم در همین راستا بود. ایشان علاوه بر حضور مؤثر در شورای عالی مجمع، عضو هیئت امنای دانشگاه مذاهب هم بودند که وجودشان بسیار مغتنم بود…»

● **گفت‌وگو و تعامل اسلامی، قدرتی بی‌نظیر می‌سازد**

زنده یاد آیت‌الله محمد واعظ‌زاده خراسانی که خود طی سالیان طولانی از اهالی تقریب مذاهب اسلامی بود، می‌دانست که راز آزادشدن انزوی نهفته جهان اسلام، روی آوردن به وحدت و همگرایی است. هم از این روی تمامی تلاش خود را در مقام دبیر کل ایسن مجمع، به این امر معطوف داشت. حجت‌الاسلام والمسلمین علی اصغر اوحدی از همراهم آن فقید سعید، معتقد است:

«شاید بتوان گفت که ایشان علاوه بر متون دست‌اول اسلامی، این پیام را از تاریخ گرفته بود. اگر به تاریخ جهان اسلام دقت کنیم، در می‌یابیم که دشمنان دقیقاً می‌دانند که اگر مسلمانان وحدت داشته باشند، قدرت بی‌نظیری پیدا می‌کنند. آنها این را در دوران حکومت عثمانی، تجربه کرده بودند و اینک با ظهور انقلاب اسلامی – که سبب بیداری ملل اسلامی شده است – احساس خطر و تمام سعی خود را معطوف به ایجاد اختلاف در بین مسلمین می‌کنند. دشمن خیلی خوب می‌داند که قدرت اسلام، در پیمای است که برای بشریت دارد و توان اصلی امت اسلامی، در این پیام و ظرفیت‌های آن نهفته است. دشمن برای نابود کردن حکومت عثمانی، نهایتاً قلمرو آن را به حکومت‌های کوچک تقسیم کرد و در آنها، حکام دست‌نشانده را روی کار آورد و تلاش‌های گسترده‌ای را برای ترویج غرب‌گرایی و اسلام‌زدایی در این بخش از جهان اسلام آغاز کرد. با این همه بیداری اسلامی نشان داد که ریشه‌اش این درخت بار آور، قوی‌تر از آن است که بتوان آن را خشک کرد، در نتیجه و در گام بعدی به ایجاد تفرقه در میان مذاهب اسلامی روی آورد، تا بتواند به هدفش که نابودی توان امت اسلامی است، دست پیدا کند. در این دوره بود که مصلحان مسلمان، به فکر چاره افتادند. یکی از کسانی که پس از پیروزی انقلاب اسلامی، تمام همت خود را بر تحقق آرمان وحدت اسلامی متمرکز کرد، مرحوم آیت‌الله واعظ‌زاده خراسانی بود. ایشان عمیقاً معتقد بود که تنها راه روبروایی با این حرکت دشمن، نزدیکی اجزای امت اسلام به یکدیگر است. برای رسیدن به این هدف، امت اسلامی باید با هم گفت‌وگو کنند و تعامل داشته باشند تا بتوانند در برابر دشمن، مقاومت کنند و پیروز شوند. به هر حال آیت‌الله واعظ‌زاده در زمینه‌سازی برای تحقق وحدت و تقریب، یکی از طلایه‌داران شاخص موفق بود…»

● **آیت‌الله تسخیری، نقاط افتراق مذاهب اسلامی را معدود می‌دانست**

مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی، در دوره دبیر کلی زنده یاد آیت‌الله محمدعلی تسخیری نیز خوش درخشید. او به‌رغم کهولت و بیماری، تمامی توش و توان علمی و عملی خود را در خدمت آرمان تقریب نهاد و در این مسیر، لحظه‌ای تسکون و توقف نیافت. به باور حجت‌الاسلام والمسلمین احمد مبلغی:

«ایشان عمیقاً و قلباً، به تقریب مذاهب اسلامی اعتقاد داشت و اگر دبیر کل مجمع تقریب مذاهب اسلامی هم نبود، باز هم در جهان اسلام جایگاه والا و ممتازی داشت. درخشش حضور ایشان در مجامع و کنفرانس‌های مختلف بین‌المللی، بیش از آنکه مرهون جایگاه رسمی و دبیر کلی ایشان باشد، مرهون دیدگاه‌های نو و عمیق تقریبی و جایگاه رفیع و برجسته ایشان در جهان اسلام بود. باید تأکید کرد که ایشان، حقیقتاً از متفکران

و اندیشمندان برجسته جهان اسلام و سلوک ایشان، کاملاً تقریبی بود. با روشی چون سیره ایشان، می‌توان ضمن اعتقاد محکم و راسخ به معتقدات شیعی، با دیگر مذاهب هم ارتباط برقرار کرد و از فقه و اصول عقاید آنها، به صورت تخصصی آگاه شد. ایشان عمیقاً به اصل گفت‌وگو و تعامل میان مذاهب اسلامی اعتقاد داشت و همواره تأکید

می‌کرد که در جایگاه دبیر کلی باید یکدیگر را تحمل کنند و به رسمیت بشناسند، زیرا تمام درگیری‌ها و تعصبات خشک و دشمنی‌های مخرب میان مذاهب اسلامی، ساخته و پرداخته دشمنان این آیین است. ایشان همواره تأکید می‌کردند: در صدر اسلام، مسلمانن وضعیت طبیعی داشتند. آنان امروز هم می‌توانند همان شرایط را الگو قرار بدهند و دریابند که نزاع‌ها و تفرقه‌های مذمبی، جز به ضرر دنیا و آخرت مسلمانان منجر نخواهد شد. کسانی که از تاریخ تحلیل درستی دارند، می‌توانند از آن برداشت‌های صحیحی هم داشته باشند، اما متأسفانه بسیاری تاریخ نمی‌دانند و طبعاً تفسیر و تحلیل درستی هم از وقایع تاریخی ندارند و در نتیجه استنباطات غلطی هم در این حوزه می‌کنند! آیت‌الله تسخیری بر روندهای تاریخی اشراف داشتند و آنها را درست تفسیر می‌تولید می‌کردند و این، امتیاز بزرگی برای ایشان بود. به همین دلیل هم می‌گفتند در صدر اسلام این تعصبات ناهج‌جا و تفرقه‌های گسترده، بین مسلمانان وجود نداشت و رابطه بین جوامع اسلامی، بسیار طبیعی و عادی بود و امامان مذاهب مختلف، کوچک‌ترین تضادی با هم نداشتند و این آنها تعامل خوبی برقرار بود… از نظر ایشان که فکر وجود دارند که اگر در دست شناخته شوند، آن گاه معلوم خواهد شد که نقاط افتراق جقدر معدودند! این مشترکات، بهترین اساس و مبنا برای وحدت اسلامی هستند. به همین دلیل، ایشان همواره سعی می‌کرد تا در مجامع اهل سنت، حضور پیدا کند و همه را به این مشترکات توجه دهد…»